



به بهانه هشت مارس روز جهانی زنان "نوشین شفاهی"

« ما مارکسیستها میگوییم که مناسبات بین طبقه کارگر و طبقه ای که از قیل کار طبقه کارگر کامروایی میکند ، در همه جای دنیا، بزور خشونت حفظ گشته است. و فمینیستها با ندیدن این موضوع اصلی، و با روایتی ناقص است که به جنگ سیستم مردسالار موجود رفته اند، که در واقع کاری به این مناسبات که بنیان یک نقد واقعی از نظم موجود و نهایتاً ارائه یک راه حل دائمی را در دستور کارش قرار داده ندارد و عملاً بدنبال توجیحات سرمایه داری و فریبکاری اش در ارتباط با ستم جنسی افتاده اند. »

ادامه در صفحه ۳

**اطلاعیه برگزاری سمینار
بمناسبت سی و پنجمین سالگرد
اعدام سعید سلطانپور
بررسی آثار وی و گرامیداشت و
تجلیل از سایر هنرمندان
و نویسندگان جانباخته راه آزادی
و سوسیالیسم**

صفحه ۱۳

**تشدید سرکوب کارگران را باید
با اتحاد و مبارزه سراسری پاسخ
داد!
شورای نمایندگان نیروهای چپ
و کمونیست**

دولت و کارفرما ها علاوه بر تشدید سرکوب با فریب و تفرقه افکنی بین کارگران در تلاش بوده و هستند تا اتحاد آنان را درهم شکسته و شرایط مشقت بار کنونی را تثبیت و کارگران را از ادامه اعتراضات خود منصرف سازند.

ادامه در صفحه ۸

گرامی باد سالروز کمون پاریس ، اولین حکومت کارگری در جهان

صفحه ۷

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

یکصد و ششمین سالگرد بنیانگذاری هشتم مارس روز جهانی زن، فرامیرسد. هشتم مارس روز تجلی اتحاد و همبستگی جهانی علیه ستم و تبعیض بر زنان است. این روز بزرگ را به همه زنان و مردانی که برای نابودی تبعیض جنسی و قوانین و سنت های زن ستیز و مردسالارانه در خانواده و محل کار و زیست دسراسر جهان و در ایران اسلام زده، مبارزه میکنند شادباش میگوئیم .

ادامه در صفحه ۱۱

مردم همیشه در صحنه کلمات قصار جناب قاضی پور «نماینده»

در مiting انتخاباتی مجلس دهم را بخوانند و به حال خود اگر خواستند گریه بکنند، و اگر نخواستند بخندند.

ادامه در صفحه ۸

ستون طنز



ارزیابی کوتاه از نتایج مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی

بالاخره مضحکه انتخابات دهمین دوره مجلس ارتجاع و پنجمین دوره مجلس ارتجاعی تر خبرگان رهبری برگزار شد. در این باصطلاح انتخابات طبق آمار اعلام شده توسط وزارت کشور ۶۰ درصد واجدین شرایط شرکت کردند. و ۴۰ درصد یعنی نزدیک به ۲۳ میلیون از رفتن به پای صندوقهای رای خودداری نمودند. هر چند که در انتخابات معمولاً مهندسی شده، صحت اینگونه آمارها محلی از اعراب ندارند با وجود این رسانه های وابسته به حاکمیت بادمیدن در بوق و کرنا نتیجه «انتخابات» را «لبیبیک» گفتن مردم به فراخوان رهبری و «بیعت» با او اعلام کردند و جناح دیگر موسوم به اصلاح طلب هم از قافله عقب نمانده از پیروزی قاطع اصلاح طلبان در هر دو مجلس خبرداد.

ما پیش از برگزاری «انتخابات» گفته بودیم که جمهوری اسلامی «از یک طرف به سبک خود» انتخابات «میگذارد و رهبران آن مدعی هستند که انتخابات در ایران آزاد است. و از مردم میخواهند در این انتخابات شرکت کنند. از طرف دیگر نه تنها مخالفین اجازه حضور و مشارکت در انتخابات رانمیابند، حتی آنهایی را هم که مدافع پرو پاقرص نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند نیز از صافی صلاح و مصلحت خویش میگذرانند.

ادامه در صفحه ۲

ارزیابی کوتاه از نتایج مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی

و تشویق و دادن وعده های عوامفریبانه و خرج میلیاردها تومان از کیسه مردم اما طبق آمارهای اعلام شده خودشان، بیش از ۲۳ میلیون نفر حاضر نشدند در این شعبده بازی رژیم شرکت کنند. ژاژخائی عده ای قلم بمزدان و رسانه های وابسته هم نتوانست انزجار این انبوه مردم از حاکمیت مافیای قدرت و ثروت را لاپوشانی کند. شعارهای سازش، وفاق و همدلی جناح ها برخلاف مدعیان فریبکار اگر دست آوردی برای تثبیت موقعیت نظام در راهبرد سیاست های سرکوبگرانه، استثمارگرانه و غارتگرانه را به همراه داشته باشد اما هیچ دست آوردی برای توده های زحمتکش مردم در بر ندارد. برخلاف توهم پراکنی دشمنان مردم هول برسر عقل آمدن حاکمیت، اما رهبران رژیم تلاش خواهند کرد آرای مردمانی در مانده و بی باور به قدرت و توانائی خود را که به پای صندوقهای رای رفتند، به حساب مشروعیت رژیم و بیعت با رهبر بگذارند و تیغه سرکوب علیه مخالفین و جنبش های اجتماعی را تیزتر کرده و در اعمال سیاست خارجی نیز با اتکا به نفس بیشتری برنامه های خود را پیش ببرند.

اکنون سران حاکمیت با تکیه بر نتیجه خیمه شب بازی «انتخابات» برآند تا متفقا پی گیر سیاست های اقتصادی و اجتماعی خانمان برافکن دولت و دستگاه رهبری در عرصه داخلی و خارجی باشند. و درسوی دیگر مبارزه بر علیه ستم و استثمار زور و سرکوب نیز متوقف شدنی نیست بدون شک و شبهه مبارزات توده های کار و زحمت که از ظلم و ستم و استثمار و زور و سرکوب جانشان به لب رسیده ادامه در صفحه ۱۲

های حاکم از قدرت و ثروت است، در پشت پرده و توسط آنهایی تصمیم گیری میشود که در قدرت اقتصادی و سیاسی و ارگانهای امنیتی و غیره دست بالارادارند و سیاست های کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاست خارجی و غیره را تعیین میکنند. در نتیجه همانگونه که قابل پیشبینی بود و ما قبل از انتخابات بارها بر آن تاکید کردیم این نمایش انتخاباتی نیز جزا به جا شدن افراد بتهکار و جنایتکار و صاحبان زر و زور و وابسته به حاکمیت، نتیجه ای در بر نداشته و هدفی جز تحکیم پایه های استبداد و خودکامگی و حفظ و تداوم حیات نهادهای شبه فاشیستی تحت عنوان مجلس شورای اسلامی و خبرگان، نداشت و نمیتوانست داشته باشد.

اکنون انتخابات پایان یافته است همه ذوب شدگان در ولایت فقیه و طرفداران نظام چه «اصولگرا» و چه «اصلاح طلب» آن همگی خود را برنده «انتخابات» اعلام کرده اند و لابد بازنده این انتخابات هم جز کارگران و زحمتکشان یعنی اکثریت محروم جامعه نیست.

بعد از این «انتخابات» رهبران نظام پیروزی سیاست محوری خود مبنی بر «اعتمادسازی» با حاکمیت در جامعه و «بیعت» با رهبری رادربوق و کرنا کرده اند. سیاست وفاق و همدلی جناح ها با کشاندن بخشی از مردم به پای صندوقهای رای (بفرض درست بودن آمار و ارقام اعلام شده) و با خواندن فاتحه «اصلاح طلبی» «منادیان اصلاح پذیری نظام حاکم، متحقق شده است. اما فراموش میکنند که برغم همه تلاش و کوشش تبلیغاتی و تهدید

اکنون نتیجه انتخابات در جلو چشمان ما است و برای چندمین بار بر فرمایشی بودن انتخابات و ضرورت تحریم قاطع آن تاکید گذاشت و نشان داد که برخلاف تبلیغات عوامفریبان و دشمنان پنهان و آشکار آزادی و برابری و برخلاف دوستان متزلزل و مذذب مردم، این انتخابات نیز همچون انتخابات گذشته از پیش توسط نظام مهندسی و بمورد اجرا گذاشته شد. انتخاباتی که در آن انتخاب کنندگان تنها مجاز بودند به کسانی رای بدهند که قبلا صلاحیت سرسپردگی آنها به نظام و ولایت فقیه آن از طریق ارگانهای امنیتی تایید شده و در تعیین ترکیب و تعداد کاندیداها نیز در پشت پرده طی مذاکرات و بده بستانهای سران مافیای قدرت و ثروت به توافق رسیده شده بود.

تردیدی نیست که جناح های متعارض حکومتی از نقطه نظر منافع اقتصادی و مواضع سیاسی دارای اختلافات واقعی باهم هستند این موضوع قابل انکار نیست و از روزی که جمهوری اسلامی برکشورما حاکم شده است درگیری بین جناح بندی های حکومت نیز همچون یک روال عادی و همزاد آن وجود داشته است معهذا اشتباه است اگر تصور کنیم اختلافات جناح بندی های حاکم که قدرت و ثروت کشور را در چنگ دارند، قرار است از طریق مجلسی همچون مجلس شورای اسلامی که اساسا فاقد قدرت تصمیمگیری است، حل و فصل شوند. خارج از اینکه چه تعداد فریب خورده و چه تعداد بنابر منافع و علاقمندی خود به رژیم اسلامی و یا به امید کورسویی از تغییرات، پای صندوقهای رای رفته اند اما آنچه که تعیین کننده سهم هریک از جناح

به بهانه هشت مارس روز جهانی زنان.

جنبش زنان در مقیاس جهانی اش دستاوردهای بیشماری دارد که هشت مارس را بخواد با افتخار جشن بگیرد و به این موفقیت‌های اجتماعی-سیاسی اش ببالد. ولی فرآیند این سیر انقلابی در بسیاری از مناطق و کشورهای مختلف کاهشی محسوس داشته است.

در سال ۲۰۱۴ مجمع جهانی اقتصاد پیش بینی کرد که با ملاحظه به آهنگ رشد و افت جنبش جهانی زنان، بیش از هشتاد سال طول میکشد که زنان به برابری واقعی جنسیتی برسند. یعنی چیزی در حدود سالهای ۲۰۹۵ به بعد را باید انتظار داشت، البته برابری ای از نوع بورژوایی ای که هم اکنون در غرب برقرار است. در سال ۲۰۱۵ این مجمع با ارزیابی اینکه این کاهش با این رشد فزاینده اش پیشروی جنبش زنان در مقیاس جهانی اش را دچار بحران کرده و جنبش زنان با اینگام‌های لنگانش قادر نخواهد بود که شکاف جنسی را تا سالهای ۲۱۳۳ بطور کلی ببندد.

یکی اینکه این محاسبات مجمع جهانی اقتصاد، نقش محوری سیستم طبقاتی در قدرت و نیاز ابزاری آن از بیحقوقی زنان را نمی بیند(نمیخواهد ببیند) و همینطور تأثیرات مبارزات طبقاتی و جنبشهای سوسیالیستی در رادیکالیزه کردن و پیشروهای جنبش زنان را بطور کلی نادیده میگیرد. این پیش بینی که مایوس کننده و البته شاید اغراق بنظر بیاید تنها به تغییر و تحولات خودبخودی و تدریجی در جامعه و در چارچوب نظم موجود نظر دارد.

نکته دوم اینکه حداکثر تعبیر و تیبینی که این مجمع از "برابری" زنان دارد چیزی فراتر

از روایت فمینیستی از بیحقوقی زنان نیست. برابری واقعی زنان از نگاه این مجمع، بدست آوردن فرصتهای برابر با مردان در جامعه موجود و برخورداری از موقعیت برابر برای سهم شدن در قدرت سیاسی-اقتصادی در نظام سود-محور سرمایه داری است.

ما مارکسیستها هم، برای پایان دادن به ستم جنسی مبارزه میکنیم، ولی با این تفاوت که ما این مبارزه را بخشی از یک مبارزه بزرگتر علیه تمام اشکال ستم طبقاتی در جامعه مبینیم. این به این معنا نیست که تا برقراری سوسیالیسم زنان باید بسوزند و بسازند. بلکه از طریق یک وحدت طبقاتی در میان تمام اقشار طبقه کارگر برای به عقب راندن سرمایه داری است که هرگونه دستاوردی را قابل تصور میدانیم. تجربه مبارزاتی نشان داده است که هر جایی که سرمایه داری قادر شده است جنبش کارگری را سرکوب کند، دیگر جنبشهای اجتماعی و دموکراتیک را هم (از جمله جنبش زنان را) توانسته است آسانتر و بی دردتر به عقب براند و یا زمینگیر کند. از نگاه ما کمونیستها، برابری واقعی زنان وقتی عملی میشود که پایه های مادی ستم جنسی بطور کلی از بین رفته و سرمایه داری مضمحل شده باشد.

بحرانهای سرمایه داری، ریاضتهای اقتصادی، تحریم اقتصادی و جنگ و اشغال و نظامی و هر فرمی از یورش و دستبرد سرمایه داری به حقوق کارگران، موقعیت زنان را بیش از همیشه آسیب پذیرتر و بحرانی تر کرده است. و این واقعیت در کنار عروج سیاه ترین اشکال سیاسی سرمایه داری از ارتجاع اسلامی گرفته تا

سیاستهای نئونازیستی ای که محور کمپینهای انتخاباتی جمهوری خواهان را از جمله ترامپ، رودیو و کروزر قرار داده است، شرایطی بس دهشتناکتر و فاجعه آمیزتر می آفریند. هر کدام از این دلقکان سرمایه داری آمریکا با هم مسابقه گذاشته اند که کدامیک بیشتر آمریکای دوران بوش را دوباره به آمریکا برگرداند و پروژه های ناتمام را از جمله بستن کلینیکها و سرویسهای درمانی ای که برای سقط جنین در اختیار زنان قرار گرفته است را زودتر مهر و موم کند. پروچویس یا "حق انتخاب" یکی از دستاوردهای زنان از مبارزات بی امانشان علیه این بیحقوقی ها بوده است که فی الحال خطر از دست دادن این حق و یا محدود کردن آن در افق سیاسی آمریکا وجود دارد اگر جمهوری خواهان از این انتخابات پیروز بیرون بیایند.

با این ملاحظیات، و آنچه که در دنیا، بویژه در دنیای اسلامزده اتفاق می افتد باندازه کافی مایوس کننده بنظر می رسد که این مجمع را به این نتیجه گیری برساند. با تمام امید بخشی هایی که هر فعال و هر جنبشی برای انگیزه مبارزاتی نیاز دارد ولی شوربخانه این کاهش محسوس و غیرقابل انکار در پیشرویهای جنبش زنان و بخشا زمینگیر شدن، آن واقعیت دارد. اگرچه همانطور که در بالا اشاره شد، این فقط تحلیلی از واقعیات است و طبعاً آن سرنوشتی را در انتظار دارد که این مجمع برایش پیش بینی میکند اگر نقش و تاثیر کمونیستها در یافتن راه گشایی های نوینی برای دخالتگری موثر در سازماندهی زنان و رادیکالیزه کردن جنبش زنان را از مبارزات طبقاتی حذف کرده و یا انکار کنیم. تنها در یکی دو روز گذشته دادگاهی در گواتمالا بعد از رسیدگی به شکایات بسیاری

به بهانه هشت مارس روز جهانی

از زنان قربانی جنگ، دو افسر ارتش گواتمالا را مجموعاً به ۳۶۰ سال محکوم کرد البته با قرار فرجام خواهی. این زنان قربانیان تجاوز گروهی از ارتش سرکوبگر گواتمالا بودند و در طول ۳۶ سال جنگ بسیاری از همان قربانیان عمرشان به این دادگاه قد نداد که در میان شاهدین و شاکیها

بنشند. این دادخواهی نزدیک به سی سال با همت فعالین جنبش زنان و مدافعین حقوق بشر طول کشیده و تازه معلوم نیست که این افسران اساساً به سزای اعمال ضد انسانی شان خواهند رسید یا نه؟ و باز هم

تازه بسیاری از رده های زیردست این افسران هنوز محاکمه نشده و تضمینی هم در کار نیست که محکوم شوند. این زنان اهالی روستاهایی هستند که مردان و پسران جوانشان را بجرم عضویت در گروه های شورشی مارکسیستی یا اعدام کردند و یا دزدیدند و از سرنوشت برخی از آنان هنوز هم هیچ خبری در دست نیست. این زنان که اکثراً در سالهای ۵۰ و ۶۰ و حتی ۷۰ زندگیشان هستند بیشتر بخش عمرشان را با آن خاطرات وحشتناک و آثار شوم روحی روانی آن دوران سپری کرده اند.

و این حدیث زنان بیشمار است که حتی در موقعیتی نیستند که دادخواهی کنند. زنانی که گروگان ارتجاع اسلامی هستند بویژه زنانی که بعنوان برده جنسی در خاورمیانه توسط داعش خرید و فروش میشوند و هزاران هزار مثال دیگر در سراسر دنیا. و تمامی این ستمگریها و بربریت محض از قبل حمله ها و سرکوبهای سراسری و بیوقفه ای که به مبارزات طبقه کارگر اعمال میشود فرصت

مناسبتی به این جانیان داده است که موقعیت اجتماعی زنان و جنبششان را بشکل قابل توجهی تنزل دهند.

برانگیختن افکار عمومی نسبت به موقعیت فرودست زنان کار دشواری نیست چرا که تمایل فزاینده ای به پرداختن به موضوع ستم جنسی و فمینیسم در بسیاری از مردم دنیا بخودی خود وجود دارد ولی بیشتر این مردم

ما مارکسیستها میگوییم که مناسبات بین طبقه کارگر و طبقه ای که از قبل کار طبقه کارگر کامروایی میکند، در همه جای دنیا، بزور خشونت حفظ گشته است. و فمینیستها با ندیدن این موضوع اصلی، و با روایتی ناقص است که به جنگ سیستم مردسالار موجود رفته اند، که در واقع کاری به این مناسبات که بنیان یک نقد واقعی از نظم موجود و نهایتاً ارائه یک راه حل دائمی را در دستور کارش قرار داده ندارد و عملاً بدنبال توجیحات سرمایه داری و فریبکاری اش در ارتباط با ستم جنسی افتاده اند.

مسئله ستم به زنان و آلترناتیو رفع ستم جنسی را از همان منظر نگاه فمینیسم یاد گرفته اند. آنچه که تابحال ایده های فمینیستی موجود به این مردم باورانده، نادیده گرفتن واقعیت رابطه طبقه و جنسیت بوده است که عمداً آنرا لاپوشانی کرده است.

ما مارکسیستها میگوییم که مناسبات بین طبقه کارگر و طبقه ای از قبل کار طبقه کارگر کامروایی میکند، در همه جای دنیا، بزور خشونت حفظ گشته است. و فمینیستها با ندیدن این موضوع اصلی، و با روایتی ناقص است که به جنگ سیستم مردسالار موجود رفته اند، که در واقع کاری به این مناسبات که بنیان یک نقد واقعی از نظم موجود و نهایتاً ارائه یک راه حل دائمی را در دستور کارش قرار داده ندارد و عملاً بدنبال توجیحات سرمایه داری و فریبکاری اش در ارتباط با ستم جنسی افتاده اند.

سرمایه داری با معیارهای ساختگی اش، این هیرارشی طبقه در قدرت و نابرابریهای ناشی از آن را توجیه و تعریف کرده است.

طبق این روایت، این نابرابریها، اجتناب ناپذیر و معتبر هستند و آنرا امری فرهنگی و در عین حال اختیاری از طرف مردان معرفی میکنند. این نگاه منشاء و ریشه اصلی ستم جنسی را بر توجیهاتی قرار میدهد که بعد برای واقعی نشان دادن آنها تلاش میکند آنرا نرمالیزه و غریزی کند. اینکه مردان حسود و خودخواهند، اینکه بسیاری از عرصه ها و فعالیتهای اجتماعی

مردانه هستند چراکه زنان خود نمیخواهند خصوصیات و فیزیک مردانه داشته باشند و غیرو. و با کار اخلاقی این مردان را میشود نسبت به حقوق زنان حساس و آگاه کرد. در این راستا خود

سرمایه داری از طریق دم و دستگاہهای عظیمش همین خصوصیات بالا را فرهنگ سازی میکند و زنان بسیاری در این جوامع چون قادر نیستند منبع و منشاء اصلی برداشتها و دریافتهایشان از مقوله ها و مواردی اینچنین را بدرستی ریشه یابی کنند آنرا بحساب یک واکنش و احساس غریزی گذاشته و بعد فرآیند نرمالیزه کردن آن در جامع به غلطک می افتد.

استراتژی جنبش زنان چه در ایران و چه در هند و گواتمالا و در هر کجای دنیا باشد نقطه عزیمتش باید پاسخ دادن به این سئوالات باشد:

این جنبش چه برداشتی از دینامیسم قدرت دارد!، و این قدرت در اختیار چه کسانی هست!، و این افراد، یا حزب و یا دولت از حفظ این مناسبات و قدرت به چه مقدار ذینفع هستند! و کلاً از منافع کدام طبقه دفاع میکنند! بدون درکی شفاف از این مسائل، جنبش زنان همان مسیری را طی میکند که به زعم مجمع اقتصاد جهانی حداقل



به بهانه هشت مارس روز جهانی

۸۰ سال دیگر طول خواهد کشید که تازه به همین جایگاهی که مردان خانواده اش دارند برسند.

در حال حاضر در ایران هم، دولت روحانی با مشارکت دادن چند زن فیلتتر شده در کابینه و سیاستگذاری دولتش، مدعی است که اسلام راه میانه و اعتدال را فراروی

دفاع از زنان در طول این چند دهه عملاً بارها و بارها ناتوانی و مشروط/محدود بودن دفاعشان از زنان را ثابت کرده اند و زنان ایران به تجربه فهمیده اند رفع ستم و احقاق برابری برای زنان هم نه با جمع آوری امضاء و آتش نذری برایشان دستاوردی به ارمغان آورد و نه سفره های ابولفضل فعالین اصلاح طلب برای

جنبش رادیکال زنان اگر بدنبال فرصت برای ابتکار عمل و ایجاد خلاقیت‌های مبارزاتی جدیدی است که بتواند این جنبش را دوباره فعال کرده و حیاتی دیگر ببخشد، خط و مرزش را باید و حتماً بیشتر و شفافتر با این چرخهای پنجم ارتجاع محکمتر از گذشته ترسیم کند.

آلوده نکردن رادیکالیسم موجود در جنبش زنان به این گرایش‌هاست و ارتجاعی و

فرصت طلب یکی از ملزومات اصلی برای حفظ و تدوام جوهر رادیکالیسم در این جنبش است. همچنین یکی از پبش شرطهای ایجاد پیوند این جنبش و مبارزات کارگری و جنبشهای انقلابی دیگر است.

سرعت بخشیدن به پروسه

هشتم مارس هشداری است به جامعه بشری و همه انسانها را فرامیخواند تا مهر ننگین ستم و تبعیض برزنان را از پیشانی خود بردارند و این امر امکانپذیر نیست جز مبارزه ای متحد علیه تمام مظاهر زن ستیزی در جامعه.

هشت مارس همچنین افشاگر آن مناسبات ارتجاعی و پوسیده زن ستیزی است که مدافعین آن در قالب دولتها، احزاب و دسته جات مذهبی و فاشیستی و نژادپرست، موانع گوناگونی در برابر مبارزه برای رهایی زن ایجاد میکنند. از تضییق حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اشاعه خرافات مذهبی گرفته تا ابزار سرکوب و کشار و زندان و شکنجه را به کار میگیرند تا از گسترش مبارزات رهایی بخش زنان جلوگیری بکنند.

هشتم مارس در عین حال یاد آور مبارزات درخشان زنان و مردانی است که برای تحقق برابری زنان و نابودی تبعیضات جنسی و بدست آوردن دنیایی عاری از ستم و استثمار به پا خواستند و جان در راه آرمانهای انسانی خویش گذاشتند.

انسان گذاشته است بویژه در مورد زنان. به ادعای اینان برابری زنان احیاء هرچه بشتر معنویات زنان، و آدابته کردن الگوهای حیات بخش اسلام از جانب آنان است. از نظر اینها زنان در غرب برابر نیستند چرا که ساختار و نظام اخلاقی

آنان بر پایه آزادی بی قید و شرط است که این خود باعث رواج فحشاء و بردگی جنسی زنان میشود!

بله رژیم ضد زن و جنایتکار ایران که تمام آنچه داعش در مورد زنان علنا مرتکب شده، بمراتب بیشتر و گسترده تر بر زنان اعمال کرده است ولی با بیشر می تمام از شأن و موقعیت زنان در جامعه داد سخن میدهد. زنان ایران روایت اصولگرایان از برابری حقوق زنان را دیده اند و از مثلاً میانه روها هم دارند می بینند و همچنین شاهد برنامه های رهایی سازی "ساختار نشکنان" اصلاح طلب در داخل و خارج از ایران هستند ولی هنوز هم به اندازه ارزنی در شریعت اسلام از حقوق مسلم زنان چیزی یافت نکرده اند غیر از نفرت از زنان و ضدیت مطلق با ابتدایی ترین حقوق انسانی شان. این گرایش‌هاست مدعی

جنبششان برکتی. ولی این گرایش‌هاست بسیار جان سخت و بوقلمون صفتند. در حال حاضر در عرصه های نوینی چون کمپین آزادیهای یواشکی، زنان زیادی را یواشکی آزاد میکنند و همچنان مشغول کشف کمپینهای بدیع تری برای رقیق سازی این جنبش اند. این فعالین ضد ساختار شکنی" با هر قیمتی شده نمیخواهند زنان از منشاء بیحقوقی و ستم جنسی چیزی بشنوند. بعد از سرکوبهای ۸۸ همین گرایش‌هاست ارتجاعی پرچمدار خط حل شدن جنبش زنان در جنبش "رای من کو" بودند و گرایش‌هاست رادیکال و انقلابی جنبش زنان هم اصراری بر یک حضور مستقل و پررنگ نداشتند که نهایتاً ضربه زیادی به این جنبش زد که در کنار فاکتورهای دیگر، باعث پراکندگی و تشتت زیادی در صفوف فعالین این جنبش شد.

دستیابی به برابری واقعی زنان در گرو پیشبرد مبارزات طبقاتی و به چالش کشیدن سیستمی که خالق و ضامن حفظ این نابرابریهاست. برابری کامل جنسیتی تا زمانیکه سیستم سرمایه داری در قید حیات است هرگز محقق نخواهد شد. بقول لنین تاریخ را باید هول داد تا سوسیالیسم را برقرار کرد و گرنه تا ۹۵ سال که هیچ بلکه تا سیصد سال دیگر هم زنان همچنان در قید و بند ستم جنسی خواهند ماند.

زنده باد مبارزات حق طلبانه زنان در کنار طبقه کارگر برای رفع تمامی اشکال ستم.

زنده باد هشت مارس. زنده باد سوسیالیسم

نوشین شفاهی

۴ مارس ۲۰۱۶



اطلاعیه برگزاری سمینار بمناسبت سی و پنجمین سالگرد اعدام سعید سلطانپور بررسی آثار وی و گرامیداشت و تجلیل از سایر هنرمندان و نویسندگان جانباخته راه آزادی و سوسیالیسم

در این سمینار آثار سعید سلطانپور در حوزه های مختلف اجتماعی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

و نیز به همین مناسبت جنگی منتشر خواهد شد حاوی نظر ها ، نقد ها بر آثار سعید و بخشی نیز به نوشته ها و خاطرات اختصاص خواهد یافت.

لازم به گفتن نیست که هنرمندان و نویسندگان آزادیخواه و سوسیالیست کشور ما متعلق به جنبشهای اجتماعی هستند که در طول تاریخ برای رهائی از ستم و استثمار و زور و سرکوب به پا خواسته اند. از این رو وظیفه خود میدانیم که برای پرتر بودن این سمینار ، تدارک آنرا به کمیته ای مستقل بسپاریم. برای شکلگیری چنین کمیته ای کوشش خواهیم کرد.

از همه دوستان ، رفقا و همزمان سعید بویژه از هموندان او در کانون نویسندگان، همکاران وی در گروه های هنری درخواست میکنیم پیشنهادات خود را برای برگزاری هرچه پر بارتر این سمینار، بامادر میان بگذارند.

کمیته موقت تدارک برگزاری سمینار بررسی آثار سعید سلطانپور

نویسندگان ، هنرمندان ، دانشجویان، سربازان ، زنان ، کودکان، خلاصه کلام از هر قشری که شکست انقلاب و حاکمیت ارتجاع مذهبی را بر نمیتابد به زیر تیغ جلادان جمهوری اسلامی رفت.

سعید سلطانپور نماد همه آنها به ویژه شعرا ، نویسندگان و هنرمندانی است که در دفاع از آزادی و برابری، زندان و شکنجه و اعدام را به جان خریدند، اما به میثاق خود از جمله «آزادی اندیشه و بیان و قلم بدون حصر و استتار» وفادار ماندند.

در این سالها ما تلاش کردیم در حد توانائی خود طی مراسم هائی یاد و خاطره سعید سلطانپور و دیگر هنرمندان ، و شعرا و نویسندگان جانباخته راه آزادی را گرامی داشته و مبارزات و مقاومت ها و اندیشه های آنها را ره توشه خود و دیگر مبارزین و انسانهای آزادیخواه قرار دهیم.

در سال پیش روی (خرداد ۱۳۹۵) در نظر داریم سمیناری را بمناسبت سی و پنجمین سالگرد قتل سعید سلطانپور و به یاد همه شعرا، هنرمندان، نویسندگانی که در دفاع از آزادی و سوسیالیسم جان فدا کردند، برگزار کنیم.

خرداد سال ۱۳۹۵ سی و پنجمین سالگرد

اعدام شاعر آزادی سعید سلطانپور است سی ام خرداد ۱۳۶۰ با اعدام سعید سلطانپور، سرکوب آزادیخواهان و کشتار دهه ۶۰ توسط رژیم تازه بقدرت خزیده کلید خورد. اعدام سعید سلطانپور شاعر و هنرمند آزادیخواه و سوسیالیست، نشانه این بود که انقلاب توده های رنج دیده مردم، اینک با خطر جدی سرکوب و شکست کامل مواجه است. از آن پس موج دستگیریها ، سرکوب ها و اعدامها شروع شد. افراد ، احزاب ، سازمانها، تشکلهای ، محافل و مجامع و جنبش های اجتماعی و هر آنچه مظهری از ترقی خواهی ، آزادی و برابری داشت، مورد یورش و سرکوب قرار گرفتند. هزاران نفر زن و مرد و پیر و جوان کشتار شدند. در ادامه این سرکوبگریها، قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ از فجیع ترین اقدامات سرکوبگرانه ای بود که بر غم تلاش حکومت برای لاپوشانی آن ، برملا شد. این کشتار ها ادامه یافت تا قتلهای زنجیره ای، اعدام ها و سر به نیست شدن های بی شمار.... در این سرکوبها و کشتار ها ، کارگران ، دهقانان ،

بیا تا گل برافشانیم...!

در مراسم سالیانه خاوران شرکت کنید!

هرسال مراسمی در گورستان خاوران و بیدار هزاران شهید راه آزادی و سوسیالیسم که در زندانهای رژیم به خاطر ایستادگی بر آرمانهای انسانی خود گروه گروه تیرباران و یا بدار آویخته شدند و سپس بی نام و نشان در گورهای دسته جمعی به خاک سپرده شدند، برگزار میشود. در این مراسم ها که عموماً با ممانعت و گاه حمله و ضرب و شتم ماموران دولت مواجه میشوند، علاوه بر خانواده ها و دوستان و یاران جانباختگان، انسانهای آزادیخواه از اقشار مختلف جامعه نیز که از این واقعه جنایتکارانه مطلع هستند سعی میکنند در این مراسم حضور یابند. این مراسم ها بر غم تهدید ، ضرب و شتم و احضار و دستگیری شرکت کنندگان، اما تاکنون تداوم یافته و میرود تا به یک مراسم فراگیر تبدیل شود. بی گمان روزی فرا خواهد رسید که توده های زحمتکش مردم با فراغ بال بر سر مزار این جانباختگان سرود آزادی بخوانند. ما به همه شرکت کنندگان در مراسم خاوران و به همه بازماندگان این عزیزان بخون خفته درود میفرستیم و پیمان میبندیم که دوش به دوش شما عزیزان، برای تحقق آرمانهای آزادیخواهانه و انسانی رفقای شهید خود و سایر رزمندگان راه آزادی و سوسیالیسم به مبارزه تاپیروزی نهائی ادامه خواهیم داد. به امید روزی که توده های زحمتکش مردم، بتوانند در فضائی آزاد و در جامعه ای فارغ از ستم و استثمار و سرکوب از فرزندان دلیر خود که در سیاه ترین دوره تاریخ پرچم مبارزه برای آزادی و سعادت توده های مردم را بردوش کشیدند تجلیل بعمل بیاورند. آنگونه که شایسته آنان است.

گرامی باد سالروز کمون پاریس ، اولین حکومت کارگری در جهان



در امر گسستن زنجیرهای اسارت اور نظام سرمایه داری بنمایش گذارد و با آنکه هفتاد و دو روز بیش نپائید ، اما میراث گرانبهائی از تجارب و درسهای خود برای استثمارشدگان و ستمدیدگان سراسر جهان برجای گذاشت . تجارب کمون در پیشرفت انقلاب پرولتاریای جهانی تاثیرات عمیقی داشته است و بعنوان اولین گام عملی بیش از هر چیز صحت آموزشها و اصول مارکسیسم ، در زمینه وظائف نوین ، پرولتاریا را در قبال دستگاه دولتی بورژوازی ، باثبات رسانیده است .

بنابراین یابود کمون نه مختص کارگران فرانسوی بلکه به امری جهانی مبدل گشته و هر ساله کارگران آگاه همه کشورها با هیستگي یاد پیشینیان خود و رزمندگان کمون را گرامی میدارند و همچنان که مارکس نوشت : " اصول کمون جاودانه و از بین نرفتگی اند و مادامیکه هنوز طبقه کارگر آزادی اش را بدست نیاورده است این اصول معتبرند . "

ما نیز در یکصد و چهل و پنجمین سالگرد کمون پاریس با گرامیداشت یاد دلاوران و قهرمانان راه کمونیسم بر اصول و آموزشهای جنبش انقلابی طبقه کارگر جهانی پای فشرده و مشعل فروزان آنرا همچنان در فراسوی مبارزه خود نگه میداریم .

" خاطرہ ی مبارزان کمون پاریس نه تنها برای کارگران فرانسوی بلکه برای پرولتاریای سراسر جهان عزیز و گرامی است ، زیرا کمون تنها برای بدست آوردن چند خواسته ی ناچیز محلی یا منحصر" ملی نبود که مبارزه کرد ، بلکه تلاش او برای رهائی تمام انسانهای زحمتکش و همه ی تحقیرشدگان و توهین دیدگان بود ... غرش توپهای پاریس عقب مانده ترین قشرهای پرولتاریا را از خواب عمیق برانگیخت و در همه جا شور و حرکتی تازه به تبلیغات انقلابی سوسیالیستی دارد . برای همین است که اثر کمون پاریس نه تنها از بین نرفته بلکه تا زمان حاضر نیز در وجود هر یک از ما زنده است .

" لنین - به یاد کمون

در هنگامه سحر به سپیده ی روز ۲۸ اسفند سال ۱۲۴۹ (۱۸ مارس ۱۸۷۱) کارگران انقلابی در پاریس پس از شش ماه جنگ علیه ارتش پروس و بورژوازی خودی ، در محاصره ، و گرسنگی با شلیک توپ های بیدار باش ، برپایی نخستین حکومت کارگری در تاریخ بشر را اعلام نمودند : زنده باد کمون !

در این روز کموناردها ، بعنوان پیشتازان انقلاب پرولتری ، طی یک قیام مسلحانه قدرت سیاسی را به کف گرفتند و نخستین حکومت کارگری را برپا داشتند . کمون با عظمت و شکوه ، قدرت اراده کارگران را

وجود حکومت حکایت از وجود طبقات در جامعه و سیادت یک طبقه بر طبقه کارگر دارد . شکل اداره حکومت می تواند دموکراتیک یا دیکتاتوری ، سلطنتی یا جمهوری ، پارلمانی یا شورایی ، متمرکز یا فدراتیو ، مذهبی یا لائیک و یا اشکال دیگری باشد . اما همه این اشکال در یک وجه با هم مشترکند : در همه آنها دولت نماینده طبقه حاکمه است . اگر طبقات استثمارگر سیادت سیاسی ، یعنی دولت را برای حفظ شرایط استثمار ، یعنی برای منافع اقلیت ناچیز علیه اکثریت هنگفت مردم لازم دارند طبقات استثمار شونده ، سیادت سیاسی را برای محو کامل هرگونه استثمار ، یعنی برای منافع اکثریت هنگفت مردم علیه اقلیت ناچیزی از برده داران معاصر که سرمایه داران باشند ، لازم دارند و آنچه که ماهیت دولت سوسیالیستی را تشکیل می دهد این است که در آن طبقه کارگر بر سایر طبقات هژمونی یافته ، جامعه در جهت حذف طبقات و از بین بردن پایه های مادی نیاز به حکومت و دولت و بوروکراسی حرکت می کند . بر خلاف جامعه سرمایه داری که در آن دموکراسی همواره در تنگنای استثمار سرمایه داری فشرده می شود ، سوسیالیسم برای تأمین آزادی بی قیدوشرط همه افراد جامعه مبارزه می کند . هدفی که جز با الغای طبقات و زوال دولت ممکن نمی شود و ازاینرو برای تأمین و تضمین آزادیهای بی قید و شرط سیاسی باید برای تحقق آن مبارزه کرد و سیادت طبقات را برانداخت . طبقه کارگر در جریان تکامل مبارزه طبقاتی بجای جامعه کهنه بورژوازی آنچنان اجتماعی بپا خواهد کرد که وجود طبقات و تقابل طبقات غیر ممکن خواهد بود . دیگر هیچگونه حاکمیت سیاسی وجود نخواهد داشت . چرا که قدرت حاکمه سیاسی مظهر تقابل طبقات درون جامعه سرمایه داریست . با محو طبقات دولت نیز زوال مییابد و انسان و فعالیت های گونه گون وی به تمام معنا از هر قید و شرطی آزاد میگردد .

تشدید سرکوب کارگران را باید با اتحاد و مبارزه سراسری پاسخ داد! شورای نمایندگان نیروهای چپ و کمونیست

توسط طبقه سرمایه دار و صاحبان قدرت و ثروت در ایران بر زندگی کارگران تحمیل شده است. اما تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، گسترش ابعاد فقر و بیکاری و گرانی و تورم و تشدید سرکوبگری رژیم، از طرف کارگران بی جواب نمانده است. در طول هفته های گذشته به این سو، ما شاهد دهها حرکت اعتراضی مانند: تجمع مشترک کارگران پتروشیمی های اراک، تبریز، اصفهان و امیرکبیر در مقابل وزارت نفت به دلیل عدم امنیت شغلی و شرایط نامناسب بازنشستگی بعد از واگذاری پتروشیمی ها به بخش خصوصی و عدم پاسخگویی وزارت نفت به مطالبات کارکنان پتروشیمی ها در پی تجمعات اعتراضی این کارکنان، تجمع کارگران نساجی مازندران در مقابل فرمانداری قائم شهر، تجمع اعتراضی کارگران شرکت ماشین آلات صنعتی تبریز در مقابل اداره کار آذربایجان شرقی در اعتراض به تعویق دستمزد، تجمع اعتراضی کارگران شرکت نفت در مقابل وزارت نفت در تهران در اعتراض به وضعیت حاکم بر این وزارت خانه و دادگاهی شدن نه نفر از کارگران معترض بافق و آزاد شدن ۱۲ کارگر بازداشتی سیمان درود با قرار کفالت، اعتراض مداوم کارگران نیشکر هفت تپه در برابر دفتر کارفرما، اعتراضات کارگران در سلویه، تهاجم به حقوق کارگر زندانی محمد جراحی در زندان مرکزی تبریز، ادامه بازداشت معلمان دستگیر شده و غیره ... هستیم که از جمله مهم ترین

ادامه در صفحه ۱۰

اخبار منتشره حاکی از آن است که بیش از ۲۸ نفر از کارگران معترض مس خاتون آباد، توسط نیروهای سرکوبگر رژیم دستگیر و روانه زندان شده اند. بر پایه خبر های منتشره پنج (۵) تن از بازداشت شدگان در سیزدهمین روز بازداشت، با قرار وثیقه پنجاه (۵۰) میلیون تومان آزاد شدند و بقیه همچنان در بازداشت بسر می برند. این نه اولین بار و نه آخرین باری است که رژیم جمهوری اسلامی به اقدامات سرکوبگرانه و دستگیری و ضرب و شتم کارگران دست میزند. ماهیت ضد کارگری این رژیم از آغاز همواره در سرکوب کارگران خود را نشان داده است و طبقه کارگر ایران با تعرض افسار گسیخته نظام سرمایه داری به حقوق و معیشت خود مواجه بوده است.

بواسطه سرکوب و خفقان و نبود حداقل آزادیهای سیاسی و فقدان تشکل های حزبی و توده ای، این تعرضات به نحو وحشیانه ای کار و معیشت کارگران را مورد یورش قرار داده و زندگی خانواده کارگری را با معضلات لاینحلی مواجه نموده است. بیکارسازیهای وسیع، کاهش حقوق و دستمزد های ناچیز کارگران به روش های مختلف تشدید استثمار، گسترش قراردادهای موقت، عدم پرداخت دستمزد های ماهیانه، نبود تضمین شغلی، نبود ایمنی محیط کار، نبود تشکل های مستقل کارگری، حاکم کردن فضای امنیتی بر محیط های کار و سرکوب و زندان و کشتار و سربه نیست کردن رهبران کارگری، از جمله موارد بی شماری است که

ستون طنز



زیر نظر طنناز ممدقلی زاده

مردم همیشه در صحنه کلمات قصار جناب قاضی پور «نماینده «درمتینگ انتخاباتی مجلس دهم را بخوانند و به حال خود اگر خواستند گریه نکنند، و اگر نخواستند بخندند.

اول بگویم توهین به بچه روباه و کره خرنباشد پیشاپیش از آنها و زنانی که توسط قاضی پور این به تعبیر خوداش سگ ولایت فقیه توهین شده است پوزش میخوام اما واقعا اگر مجلس ارتجاع جای بچه روباه و کره الاغ نیست، پس پرسیدنی است که جناب قاضی پور، وامسال تو در آنجا چه کار میکنید؟!

میفرماید «مملکت را به آسانی به دست نیآورده ایم که هر روباه، بچه و کره الاغی را بفرستیم آنجا (مجلس). مجلس جای کره الاغ نیست. مجلس جای بچه ها نیست جای کره الاغ ها نیست جای زنان نیست. جای مردان است. «زنان را» میفرستیدشان «مجلس» سرشان بلا بیآورند آبرویتان برود.»

او از جمله گفته: «مجلس جای سوسول بازی نیست! مردها را به مجلس بفرستید که حداقل کاری هم نکند، آن یکی کار را بتواند بکند!» «شما در دو ساعت، ۲۰۰ هزار رأی به من دادید که مرا تیز کنید به جان این مسئولین بیافتم. میگویند یک روز پسر بچه ای را ختنه می کردند، دختر بچه ای آن طرف داشت گریه می کرد. گفتند تو چرا گریه می کنی؟ گفت: آخر می دانم او را دارند برای من تیز می کنند.

ادامه در صفحه بعد

ستون طنز

«فکر میکنید این آدم نما که در مجالس جمهوری اسلامی کم نیستند روانی و خطرناک نیستند؟! و جالب است که در جریان تبلیغات انتخاباتی چنین شکرخوری هائی را کرده و جالب تر اینکه از میان آن انبوه شنوندگان اش نه تنها یکی پیدا نشده بگوید آخر قاطر، این چه مزخرفاتی است که میگوئی مگر مردم را خرحساب کردی؟ بعد جالب تر از همه که نظیراش را نمیتوان در هیچ کجای دنیا پیدا کرد رای دادن (یا از صندوق درآمدن) همان قاطر با رای بالا و انتخاب شدن مجدد اش به نمایندگی از «مردم» ارومیه است. واله دروغ چرا تاجائی که ما شنیدیم و از نزدیک دیدیم ارومیه سابقا یکی از شهرهای مدرن و نسبتا مرفقی بود حالا چه بر سرش آورده اند که آقای قاضی پور شده «نماینده» اش؟ الله اعلم به کل حقایق الامور. اما بروند شکر بکنند که این تازه قاضی پور است یعنی اینکه پدرش هم قاضی بوده حالا حساب کنید اگر فرزند یکی از برادران قاچاقچی بود. چه میگفت و چه میکرد. حالا باید از آقای قاطر پور پرسید. اگر مجلس ارتجاع جای کره الاغ نیست پس تو وامسال تودر آنجا چه کار میکنید؟!»

نظرخواهی از رهبر درباره «انتخابات»

جناب رهبر، انتخابات مجلسین شورای اسلامی و خبرگان پایان یافت باتوجه به نتایج انتخابات موضع شما که آنرا تحریم کرده بودید، اکنون چیست؟

آقای رهبر: خوب مردم واقعا با رای که دادند مخصوصا در تهران میدانید که رای تهران تعیین کننده است. مردم با رای دادن به حامیان لیست دولت یعنی همان اصلاح طلبان و یا اعتدالیون یک نه بزرگ به ولایت فقیه گفتند و زدند توی دهن اش. این

نشاندنده آگاهی و شعور بالای مردم است که از هر روزنه ای برای مقابله با نظام و ولیه فقیه استفاده میکنند. این اقدام هوشیارانه مردم مسلما به نفع روند دموکراسی و مدنیت در جامعه است حال که وسیله ای نیست مردم از این طریق پیش میروند. - خوب جناب رهبر پس به نظر شما رفتن مردم پای صندوقهای رای و دستکم دادن رای به لیست «امید» نشانه بالابودن سطح آگاهی و شعور آنها در مقابله با ولی فقیه است. اگر اینطور است پس چرا قبل از انتخابات آنرا تحریم کردید و جلو چنین روندی را کند کردید؟

رهبر: اینکه ماتحریم کرده بودیم، خوب تحریم کرده بودیم دیگه، در نظر داشته باش که میلیونها نفر هم نرفتند پای صندوقهای رای.

-/ جناب رهبر ما که سرو کارمان با مطبوعات است از استدلال تو سر در نیاوردیم بالاخره همیشه هم تحریم خوب باشه و هم رفتن به پای صندوقهای رای و رای دادن به لیست اصلاح طلبان! با عقل جور درنماید، مگر اینطور نیست و شما چطوری این رفتار تان را توجیه میکنید؟

رهبر: البته من خودم کمونیست هستم ها ولی لعنت به کمونیستها!! باشما نمیشود وارد مجادله شد شما نصف خالی لیوان را میبینید نصف پر اش را فراموش میکنید. آقا جان آنهاست که نرفتند پای صندوقهای رای با آنهاست که رفتن پای صندوقهای رای هر کدام به شیوه خود به حاکمیت نه گفتند. اگر این دوتا را جمع بست بزنی میبینی که من راست میگم.

قربان مرحبا به این استدلال علمی که فرمودید! البته ناگفته نماند بلا نسبت شما من غلط کردم که کمونیست باشم. شما هستید و برای هفتاد و دو پشتمان کافیت.

شعری از شاعر انقلابی عباس سماکار درونه

درونه

خشم از میان کلمه ها سر می خورد

از کاسه ابی رنگ ماه سر میریزد

و شب از سکوت خفه می شود

اه پرنده تنها

تو را من

در خشمی که فرو خورده است

با اشک

با آبشار روان ماه

که شبها جهان را غرق می کند

با دوزخ پلید شکنجه گر

چطور بگویم

ترا من شبها

تا دیر وقت تاریکی

ترا من شبها ...

حالا به من نگاه نکن از روزن کوچکت

بیش از این گلوگام را در چنگ بگیر

در خون خویش غرقه می شوم

من کجای این جهان ایستاده ام

شانه های من چرا

پلهای جوادیه نیست دیگر

اه

فراموشی زود رس

اه محافظه کاری

صدای فدائی



تشدید سرکوب کارگران را باید با اتحاد و مبارزه سراسری پاسخ داد!

امضاء ها به ترتیب حروف الفبا :

- ۱- اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
- ۲- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان
- ۳- حزب کمونیست ایران
- ۴- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
- ۵- سازمان راه کارگر
- ۶- سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر)
- ۷- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکھلم
- ۸- شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه- هامبورگ
- ۹- کانون اندیشه کپنهاگ -دانمارک
- ۱۰- کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
- ۱۱- کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران- دانمارک
- ۱۲- کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران- فنلاند
- ۱۳- کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
- ۱۴- کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال، کانادا
- ۱۵- نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران - غرب آلمان
- ۱۶- هسته اقلیت

فرسای محیط کار و نبود بهداشت و ایمنی بسیاری از آنها را با بیماریهای لاعلاجی مواجه کرده است. دولت و کارفرما ها علاوه بر تشدید سرکوب با فریب و تفرقه افکنی بین کارگران در تلاش بوده و هستند تا اتحاد آنان را درهم شکسته و شرایط مشقت بار کنونی را تثبیت و کارگران را از ادامه اعتراضات خود منصرف سازند. ما ضمن محکوم نمودن تعرضات وحشیانه دولت و سرمایه داران به حقوق و معیشت کارگران، همه کارگران و خانواده های آنها را به اتحاد و گسترش اعتراضات فرا میخوانیم. چون تنها اتحاد و گسترش مبارزه کارگران ضامن پیروزی آنها و تحقق خواست هایشان خواهد بود. تشدید سرکوب کارگران را باید با اتحاد و مبارزه سراسری پاسخ داد.

پیروز باد اتحاد و مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و رژیم حاکم
زنده باد استقلال طبقاتی کارگران در برابر سرمایه داران
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!
سه شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۴ برابر با ۹ فوریه ۲۰۱۶

روی دادهای اعتراضات کارگری روزهای اخیر می باشند. درحالیکه طبقه کارگر ایران با اعتصابات و اعتراضات خود به اشکال گوناگون در برابر اخراجها، بیکارسازیها و تعرض به حقوق و معیشت خود مقاومت میکند. دولت و سرمایه داران نیازمند سکوتی قبرستانی برجامعه کارگری در مقابل شرکای خارجی خود هستند و طبق معمول شمشیر را از رو بسته و اقدام به سرکوب و دستگیری هر چه پیشتر کارگران مینمایند. دستگیری ۲۸ نفر از کارگران معترض مس خاتون آباد هم در راستای ادامه سیاست سرکوب بیشتر کارگران بمنظور تامین امنیت سرمایه گذاران داخلی و خارجی و تشدید استثمار نیروی کار در دوران پسا برجام است که توسط دولت برنامه ریزی شده و بمورد اجرا گزارد می شود. قبل از این جوانان و کارگران بیکار روستای شهرویی بهبهان که در اعتراض به بیکاری دست به تجمع اعتراضی زده بودند، در ۲۴ آذر ماه توسط نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفتند. مرتضی فرج نیا، پدر خانواده و کارگری بیکار، در اثر تیراندازی ماموران جان باخت و چند نفر دیگر زخمی شدند و در ادامه اعتراضات سه نفر از جوانان شهرویی نیز دستگیر شدند. کارگران مس خاتون آباد که اکنون بیش از یک هفته از دستگیری آنها میگذرد همچون میلیونها کارگر دیگر با مسائل و مشکلاتی عدیده ای همچون پائین بودن دستمزد ها، نبود امنیت شغلی، اخراج، قرارداد های موقت، بازداشت زندان و کشتار مواجه بوده اند شرایط سخت و طاقت

خطاب به کارگران پیشرو

کارگران پیشرو و انقلابی! جنبش های وسیع کارگری در آینده اجتناب ناپذیر است. سرکوب و زندان و اعدام نمیتواند مانع تکامل جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی دیگر بشود. رویدادهای پویایی که از دل واقعیت های اجتماعی برمیخیزند، توده های باز هم بیشتری از کارگران و زحمتکشان را به سمت مبارزه و مقابله جدی با حاکمیت طبقات ستمگر و استثمارگر و رژیم ارتجاعی حاکم، سوق خواهد داد. برای پیروزی در جبهه های مختلف نبرد اقتصادی و سیاسی، باید طبقه کارگر متشکل شود و مبارزه خود را سازمانیافته، آگاهانه و با برنامه به پیش برد. به ارتقای سطح آگاهی طبقاتی و تشکل یابی کارگران یاری رسانید، درتشکیل کمیته های کارخانه پیشقدم شوید و تمام کارگران آگاه و مبارز را به تشکل در کمیته های کارخانه فراخوانید و کارخانجات را به دژ تسخیرناپذیر خود تبدیل کنید.

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

جنبش زنان برای آزادی ورهائی از ستم و تبعیض جنسی و سنت های مردسالارانه یکی از مهمترین جنبش های اجتماعی برای دگرگونیهای بنیادی در جوامع بشری، از جمله رسیدن به آزادی و سوسیالیسم محسوب میشود. چرا که نظام سرمایه داری نیز که نظام مسلط برجهاست از بدو پیدایش خود همچون نظامات کهنتر از نابرابری زنان در عرصه های مختلف به نفع ارزش افزائی سرمایه سود میبرد. بعد از قرنهای نوزدهم در کشورهای معظم سرمایه داری پیشرفته، زنان از نابرابری حقوقی و اجتماعی رنج میبرند. زنان اولین قربانیان بحرانهای ادواری نظام سرمایه داری هستند. هم اکنون شاهدیم که با بروز و تشدید بحران سرمایه داری بلافاصله تعرض به حقوق، معیشت و زندگی میلیونها زن در سراسر جهان شدت گرفت. و زنان اولین قربانیان پدیده بیکاری، تشدید استثمار و ناهنجاریهای اجتماعی ناشی از بحران اقتصادی در کشورهای مختلف جهان شدند. نگاهی به آمارهای منتشره در کشورهای مختلف جهان از آفریقا گرفته تا آمریکای شمالی نشانگر آن است که نظامات سرمایه داری برغم تفاوت در قوانین و سیستم های حقوقی و سیاسی، اما در همه جا مبلغ و مروج تبعیضات جنسیتی و تداوم نابرابری زنان در عرصه های مختلف اجتماعی هستند و همه اینها نشانگر آن است که نظامهای سرمایه داری به حکم منافی که از نابرابری زنان نصیب سرمایه داران میشود نه میخواهند و نه میتوانند با رهائی زن توافق داشته باشند. صاحبان پول و سرمایه علاوه بر استثمار و اعمال تبعیض و نابرابری در محل کار و زیست، با توسعه بازار های

بردگی جنسی، خرید و فروش زنان و دختران سود های کلان به جیب میزنند و سالانه میلیونها انسان فقط به جرم زن بودن در دالان تاریک بردگی جنسی و بازار کار و کارخانگی بعد از تحمل زجر و شکنج فراوان زندگی خود را از دست میدهند. در نظام سرمایه داری ایران نیز که طبقه حاکمه با تلفیق دین و دولت، ارتجاعی ترین سنت های مذهبی و مردسالار وزن سنتیز را بر مقدرات مردم حاکم کرده است. زنان در سطوح مختلف جامعه از خانواده گرفته تا مدرسه، دانشگاه، محل کار و کوچه و خیابان مورد تبعیض جنسی قرار گرفته و از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود در همه زمینه ها از جمله در انتخاب همسر، شغل، لباس، حتی نحوه گفتار و... محروم هستند. رژیم جمهوری اسلامی همچون دیگر نظام های بردگی مزدی هرگاه که با بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه میشود علاوه بر اخراج و خانه نشین کردن زنان، جو رعب و وحشت در جامعه را نیز از طریق تشدید سرکوب زنان برقرار میسازد. اما با وجود این سرکوبگریها مبارزه برای رهائی زنان و مبارزه علیه ستم و تبعیض جنسیتی گسترده تراز پیش در برابر نظام حاکم که پاسدار سنت های ارتجاعی زن سنتیز در جامعه است، ادامه دارد. مقاومت زنان مبارز در برابر قوانین ارتجاعی وزن سنتیز رژیم و اقدامات سرکوبگرانه آن، صفحات درخشانی از مبارزه برای آزادی از ستم و استثمار را در تاریخ پرفراو نشیب مبارزات کارگران و زحمتکشان جامعه ما به ثبت رسانده است. در این مبارزات به گواه تاریخ زنان و مردان کمونیست و چپ همواره در صفوف مقدم مبارزه برای رهائی زن قرار داشته و در این راه بسیاری از آنها جان

فدا کردند و از زندگی خویش گذشتند تا توده های مردم بویژه زنان محروم و ستمدیده را به حقوق خود آگاه کرده و آنها را به مبارزه برای گسستن زنجیرهای خود آماده سازند. امروزه اعتراضات شجاعانه و گسترده زنان در کشورهای مختلف جهان از جمله در منطقه خاورمیانه نمونه های بارزی هستند که نشان میدهند زحمات و فداکاریهای این تلاشگران آزادی زن به ثمر نشست و جنبش دفاع از حقوق زنان و مبارزه علیه نابرابری های جنسی و مناسبات پدرسالار تنها از سوی زنان و مردان آگاه و چپ نیست که به پیش برده میشود، بلکه توده های زنان زحمتکش خود نیز به پیکاری سرنوشت ساز روی آورده اند. این مقاومت ها و خیزشهای توده ای باید درس های گرانبهائی برای زنان و مردان زحمتکش و تحت ستم و استثمار کشور ما باشد که با اتکا به اراده توده ای خود در برابر نیروهای سیاه و عقب مانده و قوانین ارتجاعی زن سنتیز و سنت های مرسوم در خانواده و جامعه به مقابله ای جدی برخیزند. نیروهای پیشرو و پیشاهنگ که تنها افشاگری و صحبت از ستمدیدی زنان و استثمار چندگانه و چند لایه آنها و تبعیضاتی که در رگ و پی سنت ها و فرهنگ های گوناگون نظامات سرمایه داری موجود است و نیز تاکید بر اینکه «رهائی جامعه بدون رهائی زنان امکانپذیر نیست»، کافی بنظر نمی رسد. درجه موفقیت جنبش زنان مثل هر جنبش اجتماعی دیگر منوط به درستی درک مان از واقعیت های موجود آن جنبش و جامعه است. جنبشی که در پی حل مسائلی باشد که از شناخت ریشه های آن ناتوان است، سرانجام با شکست مواجه خواهد شد. علاوه بر ریشه یابی و شناخت درست و علمی از عوامل اصلی تداوم سنت های

ارزیابی کوتاه از نتایج مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی...

است در آینده باشدت و گستردگی بیشتری ادامه خواهد یافت. سرنوشت طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم نه در مجالس ارتجاع حاکم بلکه در خیابانها ، کارخانه ها ، دانشگاه ها در اعتصابات ، اعتراضات و مبارزات بیوقفه بر علیه طبقه حاکم و روبروای سیاسی آن، تعیین خواهد شد. توده های زحمتکش مردم ایران ، کارگران، زنان ، جوانان و خلقهای تحت ستم و استثمار، برای رسیدن به خواست های خودشان و برای داشتن یک زندگی آزاد و درخور انسان ، راهی جز دور ریختن توهمات مربوط به اصلاح پذیری رژیم مافیای قدرت و ثروت و اتحاد و مبارزه علیه نظام سرمایه داری حاکم ، بمنظور پی ریختن جامعه ای عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب ندارند.

کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان

کمونیست منتشر می شود .

مسئول اجرایی : سائر حسامی

شماره پیغامگیر . واتس آپ و وایبر سازمان

+46738924823

ارتجاعی زن ستیز در خانه و جامعه و محل کار و زیست میباید از تجربیات مبارزه زنان در کشورهای مختلف جهان ، از جمله اقدامات توده ای اخیر زنان و مردان مبارز در کردستان سوریه در کشورهای آفریقا ، خاورمیانه و هندوستان و سایر کشور ها درس های لازمه را فراگرفت . زنان و مردان مبارزی که خواهان برافتادن ستم بر زنان هستند میباید به تمامی پدیده های زن ستیز در محل کار و زیست و خانواده خود و اکثراً نشان داده و در برابر تعرضات و حشایانه به حقوق فردی و اجتماعی خود عکس العمل درخور نشان دهند . امروز سازماندهی اعتراضات توده ای علیه تعرض به به زنان و پایمال کردن آزادی و حق تعیین سرنوشت آن به وسیله مهمی برای مقابله با افراد ، احزاب و گروه های ارتجائی و دولتهای زن ستیز تبدیل شده است و در عرصه تبلیغ و ترویج و سازماندهی میباید از این تجربیات به نحو شایسته ای استفاده شود.

در آستانه هشت مارس بار دیگر همه زنان و مردان مبارز و انقلابی را به تشدید مبارزه علیه نابرابری و اعمال تبعیضات جنسی و نیز مبارزه با هرگونه جلوه های مردسالاری و سنت های زن ستیز در خانه و مدرسه و محل کار و زندگی چه از سوی عوامل حکومتی انجام گرفته باشد و چه از سوی افراد تاریک اندیش در میان اقوام و خانواده ها و... فرامیخوانیم .

زنده باد اتحاد و مبارزه علیه تبعیضات جنسی در جلوه های مختلف آن

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۴ اسفند ۱۳۹۴

از طریق ایمیل ادرس زیر نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با در میان بگذارید .

info@kare-online.org

آخرین اخبار و گزارشات ، مقالات ، اطلاعیه ها و نشریات سازمان اتحاد فداییان

کمونیست از سایت زیر دریافت کنید :

www.kare-online.com

برای تماس با سازمان اتحاد فداییان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از

آدرسهای زیر تماس بگیرید

.....

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

آرشیو اسناد ، اطلاعیه ها و نشریات سازمان در سایت :

www.fedayi.org